

عوامل اجتماعی مؤثر بر شادمانی معلمان شهر اصفهان

منصور حقیقتیان^۱

چکیده

شادمانی و نشاط از جمله نیازهای مهم انسان هستند و می‌توانند در مقابله افراد با مشکلات و رویارویی با فشارها و ارتقای بهره‌وری کار نقش بسزایی داشته باشند. با توجه به نقش مهم آموزگاران در تربیت و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، هدف مقاله حاضر بررسی میزان شادمانی اجتماعی معلمان شهر اصفهان و شناسایی عوامل اجتماعی بر آن است. جامعه آماری، شامل کلیه معلمان شهر اصفهان است که با استفاده از فرمول کوکران، یک نمونه ۳۷۵ نفری از بین آنها برای مطالعه انتخاب شد. روش تحقیق، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پرسشنامه بود. ابزار تحقیق از اعتبار صوری برخوردار بود و آلفای کرونباخ پایایی متغیرها نیز بالاتر از آستانه ۰/۷ بود. نتایج نشان داد: میزان نشاط اجتماعی معلمان شهر اصفهان در حد متوسط و عوامل تأثیرگذار بر آن به ترتیب، دینداری، نگرش نسبت به شغل، مشارکت اجتماعی، روابط با دوستان و اوقات فراغت بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد: همه متغیرهای مستقل توانستند ۳۸/۴ درصد تغییرات نشاط اجتماعی را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: شادمانی اجتماعی، دینداری، نگرش به شغل، مشارکت اجتماعی و روابط با همکاران.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره شانزدهم • پاییز ۹۴ • صص ۲۵۶-۲۳۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۴/۲

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان (mansour_haghighatian@yahoo.com)

مقدمه

پیش‌نیاز یک جامعه توسعه‌یافته، برخورداری از سازمان‌های توسعه‌یافته است و سازمان‌های توسعه‌یافته نیز قدرت و اقتدار واقعی خود را به واسطه وجود منابع انسانی متخصص، متعهد و با انگیزه، به منزله سرمایه‌های استراتژیک به دست می‌آورند. به بیان دیگر، بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی بر این باور هستند که آنچه در نهایت روند توسعه پایدار یک سازمان و یا جامعه را رقم می‌زند، تنها سرمایه‌های مادی و اقتصادی نیست، بلکه منابع انسانی آن سازمان و جامعه است. اسکات (۱۳۷۹) منشأ اصلی مزیت رقابتی سازمان‌ها را فداکاری، کیفیت تعهد و توانایی نیروی کار آن سازمان برمی‌شمارد، چراکه تنها نیروی کار متعهد، توانمند و سازگار با اهداف سازمانی است که حداکثر توان و تلاش خود را برای پیشبرد اهداف سازمانی به کار می‌گیرد. از جمله عواملی که بر تعهد و انگیزه شغلی افراد تأثیر دارد، نشاط، شادمانی، عدم احساس خستگی و یکنواختی است، به گونه‌ای که نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که وضعیت‌های اجتماعی نابسامان، ملال‌آور و پر اضطراب یکی از عوامل اصلی نزول استعدادها و اندیشه در جامعه است که موجب به هم خوردن رابطه فرد با جامعه می‌شود و نیروی انسانی را تحلیل برده و کارایی را تضعیف می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۷۸؛ Sabatini, 2005; Robbins, 1999). گزارش «شادمانی جهانی» که در سال ۲۰۱۳ توسط شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار و با حمایت سازمان ملل متحد صورت گرفت، رفاه و شادمانی را جزئی حیاتی در اندازه‌گیری توسعه اجتماعی و اقتصادی در نظر می‌گیرد (روزنامه آرمان، ۱۳۹۲: ۲۳۷۹). نتایج برخی تحقیقات اخیر نیز نشان از پائین یا در حد متوسط بودن میزان شادکامی در بین ایرانیان دارد. برای مثال، خدابخش کولایی (۱۳۹۲: ۵) گزارش می‌کند که در بررسی‌هایی که دانشگاه آکسفورد انگلستان انجام می‌دهد و هر سال به صورت اینفوگرافی منتشر می‌شود، ایران از نظر میزان شادمانی در حد وسط یا میانگین قرار می‌گیرد و یا چلبی و موسوی (۱۳۸۸: ۹) در تحقیق خود در شهرهای اردکان، تهران، میبد و یزد به این نتیجه رسیدند که میزان شادمانی افراد

در سطح نسبتاً پایین قرار دارد.

از طرف دیگر، با توجه به تغییرات صورت گرفته در نقش‌های خانواده و والدین در دهه‌های اخیر و افزایش نقش نهادهای دیگر در تأثیرگذاری بر فرزندان، نقش معلمان و دبیران آموزش و پرورش در این زمینه می‌تواند به‌طور بالقوه چشمگیر باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت که مطالعاتی که در زمینه مسائل شغلی آموزگاران صورت گرفته است، بیشتر به عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت شغلی (جهرمی و امین، ۱۳۸۸؛ معیدفر و زهانی، ۱۳۸۴) یا ابعاد سرمایه اجتماعی (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۲؛ حقیقتیان و همکاران، ۱۳۸۷) و یا فرسودگی شغلی (قدسی و همکاران، ۱۳۹۰، رستمی و همکاران، ۱۳۸۷، جهانشانی، ۱۳۹۲) پرداخته‌اند و بسیاری از آنها نیز رویکردی سازمانی یا مدیریتی دارند (سلیمانی و شکویی، ۱۳۸۷، تذهیبی و همکاران، ۱۳۸۹) و کمتر به مسئله نشاط اجتماعی و شادمانی معلمان پرداخته شده است. از این رو هدف مقاله حاضر بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر میزان نشاط اجتماعی معلمان شهر اصفهان است، به این معنی که شادمانی نه به‌عنوان یک متغیر صرفاً فردی و شخصی، بلکه به‌عنوان مسئله‌ای منبعث از عوامل اجتماعی مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مانند آن در نظر گرفته شده است.

۱. پیشینه تحقیق

از آنجایی که موضوع نشاط اجتماعی و شادکامی از جمله موضوعاتی هستند که اخیراً مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته است و هنوز تحقیقات زیادی در این حوزه و به‌ویژه درباره نشاط اجتماعی جمعیت‌های خاص از جمله آموزگاران صورت نگرفته است، در نتیجه نمی‌توان به‌صورت مبسوط به پیشینه تحقیقاتی شادمانی معلمان پرداخت، ولی در ادامه به نتایج برخی تحقیقات عام‌تر که درباره نشاط اجتماعی و شادمانی انجام گرفته‌اند، اشاره می‌شود.

- منتظری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با «عنوان میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مردم ایران» که روی یک نمونه ۲۷۸۸۳ نفری از افراد در سنین ۱۸-۶۵ سال از سی استان کل کشور که با نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، انجام دادند. شادمانی افراد با یک سؤال (آیا فردی با نشاط و شاداب هستید؟) مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این بود که ۳۹/۳ درصد افراد میزان شادکامی خود را در سطح «نه کم، نه زیاد»، ۳۵/۴ درصد افراد میزان شادکامی خود را در سطح «بسیار کم / کم» و تنها سه

درصد افراد میزان شادکامی خود را در سطح «بسیار زیاد» ارزیابی کرده بودند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجیستیک نشان داد که علاوه بر عوامل اقتصادی - اجتماعی، از قبیل درآمد، وضعیت اشتغال و شهر محل سکونت، درک افراد از سلامت خود تأثیر بسزایی در سطح شادمانی آنها داشته است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶۷).

- زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه بین رضایت شغلی و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت» با به کارگیری یک نمونه ۱۰۵ نفری از یک جامعه آماری ۸۴۵ نفری که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، به این نتیجه رسیدند که رضایت شغلی معلمان با میانگین ۴۲/۲، از حد متوسط پایین تر و نشاط اجتماعی آنها با میانگین ۵۷، از حد متوسط بالاتر بود و اینکه جنسیت و رضایت شغلی بر نشاط اجتماعی تأثیر مثبت و معنادار داشتند. تأهل، رشته تدریس و سطح تحصیلات دبیران با شادمانی آنها رابطه معنادار نداشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد: سه متغیر رضایت از موقعیت شغلی، رضایت از رابطه با همکاران و رضایت از مدیر یا سرپرست در مجموع توانستند ۴۶/۷ درصد از تغییرات نشاط اجتماعی دبیران را تبیین کنند (زارع شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

- جهانشاهی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی شهر یاسوج» با به کارگیری یک نمونه ۳۹۳ نفری از معلمان، فرسودگی شغلی آنها را در سه بعد خستگی عاطفی، عملکرد شخصی و مسخ شخصیتی مورد مطالعه قرار داد. نتایج او نشان داد: در یک طیف ۵ گزینه‌ای، میانگین خستگی پاسخگویان ۳/۵، میانگین عملکرد شخصی آنها ۲/۶۱ و میانگین مسخ شخصیتی معلمان برابر با ۳/۱۷ بود. میانگین کل نمره فرسودگی شغلی پاسخگویان ۳/۱۰ (در حد متوسط) بود. یافته‌های استنباطی نشان داد که بین متغیرهای مستقل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فرسودگی شغلی رابطه منفی معنادار و بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فرسودگی شغلی رابطه منفی معنادار و بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فرسودگی شغلی، رابطه مثبت معنادار وجود داشت (جهانشاهی، ۱۳۹۲: ۸۳).

- هزارجریبی و آستین افشان (۱۳۸۸) در «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)» که روی یک نمونه ۲۰۰۰ نفری از افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در استان تهران انجام گرفت، متوجه شدند که میزان احساس نشاط ۱۸ درصد افراد در حد کم

و بسیار کم، میزان احساس نشاط ۵۴ درصد پاسخگویان در حد متوسط و میزان نشاط ۲۸ درصد از افراد در حد بالا بود. از متغیرهای تأثیرگذار، سه عامل امید به آینده، ارضای نیازهای عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانستند ۵۳۷/۰ درصد تغییرات متغیر احساس نشاط را تبیین کنند (هزارجریبی و آستین‌افشان، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

- ربانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، تأثیر زمینه‌های فرهنگی از جمله سرمایه فرهنگی، سبک‌های فراغتی فرهنگی و همچنین دینداری را بر احساس شادی یک نمونه ۳۸۴ نفری از سرپرستان خانوار بررسی کردند. شادی در سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد: میانگین احساس شادی پاسخگویان ۵۶/۲ از صد بود. به عبارت دیگر، آنها دریافتند: در حالی که ۵/۳ درصد افراد دارای شادی سطح پائین و ۲۱/۳ درصد دارای سطح شادی بالا بودند، اکثریت بزرگی از پاسخگویان (۷۳/۴ درصد) دارای میزان متوسط شادی بودند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۴).

- نشاط‌دوست و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه»، با مطالعه یک نمونه ۴۰۰ نفری و با استفاده از پرسشنامه شادکامی آکسفورد، دریافتند که میزان شادکامی پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط (۴۸/۷۳ در مقابل میانگین نظری ۴۳/۵) بود و اینکه از بین ۲۱ متغیر مستقل منظور شده، پنج متغیر رضایت از زندگی، میزان ورزش هفتگی، میزان خوش‌بینی به زندگی، شادکامی همسر و سابقه بیماری عصبی در مجموع ۵۴ درصد شادکامی پاسخگویان را تبیین می‌کردند (نشاط‌دوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۳). متغیر رضایت شغلی، هر چند دارای رابطه معنادار با شادکامی بود، در معادله رگرسیون وارد نشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: مطالعات صورت گرفته درباره میزان نشاط اجتماعی مردم جامعه ایران، هرچند نتایج نسبتاً مثبتی را نشان می‌دهند، در مورد عوامل مهم تأثیرگذار هنوز به اجماع نسبی نرسیده‌اند. مهم‌تر اینکه هنوز بسیاری از گروه‌ها و جمعیت‌هایی که از نظر شرایط شادمان بودن متفاوت هستند، به‌طور اختصاصی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. یکی از این گروه‌ها که می‌توان گفت از لحاظ شرایط اجتماعی، فرهنگی و زیستی از گروه‌های دیگر متفاوت است، معلمان هستند و این مقاله در مورد آنان

است.

۲. مبانی نظری تحقیق

احساس شادی و داشتن نشاط از جمله اساسی‌ترین نیازها و خواسته‌های انسان‌هاست و می‌تواند تأثیرات انکارناپذیری بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد داشته باشد. نشاط یکی از ابعاد اصلی تجربه است و در برقراری بهداشت روانی و خوشبختی، ایجاد فضای شناختی و رشد آن تأثیرگذار است (Seligman & Danner, 2002:8). هرچند ارائه یک تعریف جامع و مانع از نشاط تقریباً غیرممکن و متمایز ساختن آن از مفاهیم مشابه مانند سعادت، رضایت از زندگی و کیفیت زندگی بسیار مشکل است، این موضوع در یکی دو دهه گذشته توجه پژوهشگران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. برخی اندیشمندان برای شادمانی سه جزء در نظر می‌گیرند: ۱. جزء شناختی به نوعی تفکر و پردازش اطلاعات اشاره دارد که منجر به ارزیابی مثبت افراد از زندگی در قیاس با گذشته یا دیگران و... رضایت کلی از زندگی و بخش‌های مختلف آن می‌شود، ۲. جزء عاطفی یا هیجانی که در حقیقت خلق و خواهی مثبت و خوشایند در افراد را شامل می‌شود، مانند احساس خوشحالی، امید به آینده، قدرت در کنترل جنبه‌های مختلف زندگی، لذت از وضع موجود، عشق ورزیدن به زندگی و امثال آن و ۳. جزء اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. این جزء در حقیقت گرایش‌ها و تمایلات مثبت فرد به اجتماع افراد را شامل می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷).

برخی نشاط را کلی و مستمر می‌دانند و آن را به‌عنوان اینکه یک فرد «به چه میزان زندگی خود را دوست دارد یا به عبارت دیگر، به‌عنوان میزانی که یک فرد زندگی خود را به‌عنوان یک کلیت مثبت ارزیابی می‌کند» (Veenhoven, 2006:1) تعریف می‌کنند، در حالی که برخی دیگر نشاط را مقطعی در نظر می‌گیرند و آن را به‌عنوان شادی مستقیم بی‌واسطه که شامل احساسات و عواطف مثبت شبیه لذت و خوشی در یک لحظه خاص می‌شود، تعریف کرده‌اند. چنین تعریفی، نشاط را به احساس سرزندگی و شادابی روح تعبیر می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵). هرچند در تعریف‌های بالا به نظر می‌رسد که نشاط و سلامتی جوامع تا حدودی تابع امکانات باشد، آرگایل براین باور است که نشاط و سلامتی جوامع تا حدودی تابع امکانات مشترک مانند تفریح، همبستگی اجتماعی، سطح اعتماد عام و متغیرهای مشابه است (آرگایل، ۱۳۸۲: ۲۳). از نظر آرگایل، شادمانی دارای سه مؤلفه

است: یکی از آنها، احساس خوشی و دو مؤلفه دیگر، رضایت از زندگی و عدم داشتن عاطفه منفی است. خوشی بعد عاطفی شادمانی و رضایت بعد شناختی آن است (همان: ۱۱۴).

۳. چارچوب نظری تحقیق

علاوه بر عوامل فردی مانند نوع شخصیت و رویکرد عمومی فرد که بر میزان شادی آنها تأثیر می‌گذارد، عوامل اجتماعی بسیاری نیز وجود دارند که نشاط افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بر اساس نظریه برابری (Robbins, 1999) رفتار افراد در سازمان‌ها به ادراک آنها از آن چه به صورت تجربه، استعداد، سختکوشی و امثالهم به سازمان اعطا می‌کنند و آنچه به صورت حقوق، مزایا، پاداش و مانند آن دریافت می‌کنند بستگی دارد. اگر افراد احساس کنند که بین داده‌ها و ستانده‌های آنها نوعی برابری و یا همپایگی وجود دارد، احساس رضایت خواهند داشت. نظریه برابری معمولاً درباره رفتار افراد در سازمان‌ها به کار گرفته می‌شود. در مقاله حاضر به جای سازمان، مقوله جامعه و به جای حقوق و مزایا مقوله امکانات و تسهیلات اجتماعی گذارده شده است. در این گونه موارد نظریه احساس محرومیت نسبی (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵) نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در نتیجه در مقاله حاضر فرض شده که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و میزان شادمانی آنها رابطه وجود داشته باشد. از آنجایی که میزان رضایت افراد از زندگی خود، از یک طرف به انتظارات و توقعات آنها و از طرف دیگر به امکان برآورده کردن آن انتظارات بستگی دارد، آنهایی که از سطح بالایی از تحصیلات و درآمد و شغل مناسب برخوردار هستند، امکانات بیشتری در زمینه برآورده کردن نیازها و خواسته‌های خود دارند. ربانی و همکاران (۱۳۸۷: ۷۱) نیز در تحقیق خود درباره میزان شادی سرپرستان خانواده‌های اصفهانی به این نتیجه رسیدند که هر چه میزان سرمایه فرهنگی سرپرستان بالاتر رود، به همان میزان بر احساس شادی آنان نیز افزوده می‌شود.

از نظر کلمن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی به منزله کیفیت خوب روابط اجتماعی است؛ روابط افراد با دیگران تا چه حد شامل همکاری، همدلی، مشارکت و حمایت می‌شود و اینکه افراد چقدر می‌توانند روی دیگران حساب کنند که در مواقع لازم به درد آنها خواهند خورد. در ارتباط با چگونگی و سازوکار تأثیرگذاری روابط اجتماعی بر نشاط و یا

سلامت روان افراد، دو دیدگاه یا مدل وجود دارد. مدل تأثیر مستقیم^۱ ادعا می‌کند که صرف داشتن روابط اجتماعی مثبت و مشارکت داشتن در امور و مسائل اطراف فرد، برای شادی و سلامتی افراد مفید است، چراکه عزت نفس افراد را بالا برده و به آنها احساس تعلق داشتن می‌دهد و در نتیجه احساس و عاطفه مثبت ایجاد می‌کند و صرف نظر از میزان استرس‌های زندگی، افراد را در مقابل سختی‌ها مقاوم ساخته، موجب تشویق آنها به برگزیدن تجربه‌های مثبت‌تر و شیوه‌های زندگی سالم‌تر می‌شود. مدل دوم یا مدل تأثیر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه‌گیر^۲ چنین استدلال می‌کند که روابط اجتماعی، به خصوص هنگامی که فشار بالاست، بر سلامت و شادی تأثیر می‌گذارد؛ به این صورت که روابط اجتماعی، افراد را در مقابل تجربه‌ها و عاطفه‌های منفی حفظ و از تأثیرگذاری زیاد استرس‌ها جلوگیری می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷).

هر چند تعریف‌های متفاوتی از دینداری ارائه شده است، در یک تعریف ساده می‌توان دینداری را داشتن اهتمام و التزام دینی به نحوی که نگرش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۰) تعریف کرد. از نظر دورکیم، دین عامل همبستگی، ثبات اجتماعی و پایداری جامعه است و نقش مثبت دین در حل و فصل مشکلات جامعه، در ایجاد وحدت و یگانگی و در معنویت است که به وجود می‌آورد (Ritzer, 2011:96). مناسک دینی به افراد انضباط بخشی و زهدگرایی - که از ضروریات زندگی اجتماعی هستند - می‌آموزد. مراسم دینی مردم را گرد هم جمع می‌کنند و از این رو پیوندهای مشترک نیز همانند سرمایه اجتماعی، افراد را در برابر استرس‌های زندگی تجهیز می‌کند و به انتظارات آنها از زندگی و مسائل گوناگون، انتظام می‌بخشد. سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۲: ۵۵) در مطالعه تأثیر دین بر سلامت دانشجویان دانشگاه تبریز به این نتیجه رسیدند که دینداری به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر سبک زندگی سلامت محور بر سلامت جسمی تأثیر داشت و همچنین به‌صورت غیرمستقیم و از طریق حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی تأثیر داشت. تأثیر دینداری بر سلامت روانی هم به‌طور مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم (از طریق حمایت اجتماعی) مورد تأیید قرار گرفت. از جمله عوامل اجتماعی که می‌تواند بر شادی و نشاط تأثیر داشته باشد، اوقات

-
1. Main-effect model
 2. Stress-buffering hypothesis

فراغت است. اوقات فراغت به عنوان فرصت و زمانی که پس از به انجام رساندن کار و شغل روزانه باقی می ماند (بهنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲) و انسان می تواند به فعالیت های دلخواه خود بپردازد، تعریف شده است. از آنجایی که اوقات فراغت می تواند آرام بخش و رفع کننده خستگی باشد و فرصت هایی برای شکوفا شدن استعداد های فردی فراهم سازد، می تواند موجب انبساط خاطر و نشاط شود. بنابراین می توان فرض کرد که هر چه اوقات فراغت افراد بیشتر و غنی تر باشد و به عبارتی، فرد احساس نکند که وقتش به بطالت و بیهودگی می گذرد، بیشتر به شادی و نشاط فرد کمک می کند. ربانی و همکاران (۱۳۸۷: ۷۵) در تحقیق میزان شادی سرپرستان خانواده های اصفهانی به این نتیجه رسیدند که اوقات فراغت با میزان شادی رابطه داشت به این صورت که به ترتیب اوقات فراغتی خانوادگی، تفریحی و سرگرمی، علمی - فرهنگی، فرهنگی - هنری، و بعد ورزشی بر شادی خانواده ها تأثیر داشتند.

با توجه به مباحث مطرح شده در بالا، در تحقیق حاضر، علاوه بر متغیرهای زمینه ای (مانند سن، تأهل، جنسیت و...)، متغیرهای دینداری، مشارکت اجتماعی، اوقات فراغت، روابط با همکاران و نوع نگرش نسبت به شغل به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و به صورت فرضیه مورد آزمون قرار گرفته اند.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر پیمایشی است. جامعه آماری شامل همه کارکنان آموزشی رسمی و پیمانی در ۶ ناحیه (از جمله منطقه جی) آموزش و پرورش شهر اصفهان می شود که تعداد آنها ۱۷۳۴۳ نفر (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۲: ۲۹۶) بود که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران ($d=5\%$, $p=0/5$, $e= 1/96$) ۳۷۵ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات برای سنجش متغیرهای مستقل، پرسشنامه محقق ساخته بود و برای سنجش متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) از پرسشنامه استاندارد شادمانی آکسفورد استفاده شد. این پرسشنامه برای سنجش میزان شادی افراد، شاخص هایی نظیر دیدگاه نسبت به آینده، دیدگاه نسبت به زندگی، میزان ثمربخش بودن و کنترل بر زندگی، رضایت از اوضاع فعلی و موارد مشابه استفاده می کند. این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو تهیه و پایایی آن ۰/۸۳ به دست آمد. در ایران این آزمون توسط علیپور و نور بالا (۱۳۷۸) ترجمه و اعتبار ترجمه آن توسط هفت متخصص مورد تأیید قرار گرفت.

روایی صوری پرسشنامه نیز به تأیید ده متخصص رسیده است. پایایی آن نیز در دو دانشگاه ۰/۹۸ و به روش تنصیف ۰/۹۲ و اعتبار باز آزمایشی پس از سه هفته نیز ۰/۷۹ محاسبه شده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶). در تحقیق حاضر، آلفای کرونباخ پایایی این پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های توصیفی

در جدول شماره ۱، توزیع فراوانی پاسخگویان براساس برخی متغیرها گزارش شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس برخی متغیرها

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد
تحصیلات	دیپلم	۱۲	۳/۲
	کاردانی	۷۶	۲۰/۲
	کارشناسی	۲۵۱	۶۶/۹
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۶	۹/۶
جنسیت	زن	۲۱۰	۵۶
	مرد	۱۶۵	۴۴
مقطع درسی	ابتدایی	۱۰۵	۲۸
	راهنمایی	۱۳۷	۳۶/۵
	متوسطه	۱۳۳	۳۵/۴
وضعیت اقتصادی خانواده	پائین	۴۵	۱۲
	متوسط	۲۷۰	۷۲
	بالا	۶۰	۱۶
نگرش به شغل	منفی	۲۳	۶/۱
	معتدل	۳۴۷	۶۵/۹
	مثبت	۱۰۳	۲۸/۰
نسبت نظر به حقوق	کم	۱۱۱	۲۹/۶
	متوسط	۲۳۴	۶۲/۴
	بالا	۳۰	۸

ارقام جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که پاسخگویان از میزان تحصیلات نسبتاً بالایی برخوردار هستند به صورتی که نزدیک به ۷۶/۵ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و یا بالاتر هستند. همچنین با وجود اینکه نزدیک به ۳۰ درصد فکر می‌کنند حقوق آنها برای زندگی کافی نیست، وضعیت اقتصادی ۸۸ درصد، متوسط و یا بالاتر

است. اکثر پاسخگویان نیز نگرش نسبتاً خوبی در مورد شغل خود دارند، به صورتی که تنها ۶/۱ درصد آنها دیدگاه منفی نسبت به شغل خود دارند. جدول شماره ۲ وضعیت پاسخگویان را در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین پاسخگویان در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
نشاط اجتماعی	۳/۳	۰/۵۴۳۲۶	۱۴	۰/۸۲
نگرش نسبت به شغل	۳/۴	۰/۴۲۵۶۸	۲۰	۰/۷۳
مشارکت اجتماعی	۳/۲	۰/۵۹۷۶۳	۸	۰/۷۸
دینداری	۴/۳	۰/۴۴۸۶۲	۹	۰/۸۴
اوقات فراغت	۳/۳	۰/۵۳۳۲۹	۸	۰/۷۶
روابط با همکاران	۳/۷	۰/۵۶۴۸۷	۹	۰/۷۹

ارقام جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که پاسخگویان در همه زمینه‌های بررسی شده در حد تقریباً متوسط هستند. از آنجایی که سؤالات پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای طرح شده بودند، میانگین نظری هر مورد مساوی ۳ است و ارقام گزارش شده همه در حدود همان ۳ است. بیشترین میانگین‌ها به ترتیب متعلق به متغیر دینداری (۴/۳) و روابط با همکاران (۳/۷) است.

۲-۵. یافته‌های استنباطی

با توجه به ادبیات نظری و تجربی تحقیق، فرض شده بود که متغیرهای مستقل دینداری، نگرش نسبت به شغل، مشارکت اجتماعی، روابط با همکاران و اوقات فراغت معلمان بر میزان نشاط آنها تأثیر گذار باشد. نتایج آزمون رابطه بین این متغیرها در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و نشاط اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری	R ²
دینداری	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰۱	۱۹/۲۷
نگرش نسبت به شغل	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰۱	۱۴/۹۰
مشارکت اجتماعی	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰۱	۸/۱۸
اوقات فراغت	۰/۲۳۱	۰/۰۰۰۱	۵/۳۳
روابط با همکاران	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰۱	۶/۰۵

همانطور که ارقام جدول ۳ نشان می‌دهد، همه متغیرهای مستقل دارای رابطه مثبت و معنادار با میزان نشاط اجتماعی معلمان بودند. دینداری بیشترین میزان تأثیر و اوقات فراغت کمترین تأثیر را بر میزان شادی معلم‌ها داشته‌اند. در تبیین این مسئله می‌توان گفت: دینداری از آن جهت که به زندگی افراد مفهوم و معنی می‌بخشد و مؤمن‌ها این باور را می‌دهد که از پس همه سختی‌ها و ناکامی‌های زندگی مصلحت، قسمت و تقدیر الهی وجود دارد به آنها اطمینان خاطر می‌دهد و آستانه تحمل و بردباری آنها را بالا می‌برد. از طرف دیگر، مذهب از طریق مناسک و مراسم مختلف، افراد را در شبکه‌های روابط متفاوت درگیر می‌کند و آنها را در ارتباط با افراد هم مسلک و هم عقیده قرار می‌دهد که این مسئله هم به خودی خود احساس خشنودی را بالا می‌برد و هم اینکه یک شبکه بالقوه حمایتی برای آنها فراهم می‌سازد. لیم و پاتنام در مقاله تحقیقی خود با عنوان «مذهب، شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی» که در آمریکا صورت گرفته بود، دریافتند که ۲۸/۲ درصد افرادی که هر هفته به کلیسا می‌روند (در مقایسه با ۱۹/۶ درصد آنهایی که هیچ وقت نمی‌روند) از زندگی خود «بسیار راضی» هستند. لیم و پاتنام اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که مذهب از طریق سازوکارهای اجتماعی و مشارکتی خود بر میزان رضایت از زندگی افراد تأثیر می‌گذارد (Lim & Putnam, 2010: 914). جدول ۴ رابطه بین برخی متغیرهای زمینه‌ای و نشاط اجتماعی معلم‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل واریانس برخی متغیرهای زمینه و نشاط اجتماعی

آزمون F		میانگین مربع	مجموع مربع	درجه آزادی	منابع تغییرات	متغیر
سطح معناداری	آماری	انحرافات (Ms)	انحرافات (SS)			
۰/۰۴۲	۲/۵۱۲	۰/۷۲۱	۲/۲۱۳	۳	بین گروهی	تحصیلات
		۰/۲۹۲	۸۱/۸۶۷	۳۷۲	درون گروهی	
۰/۵۸۲	۰/۵۷۳	۰/۱۷۱	۰/۳۴۷	۳	بین گروهی	مقطع تدریس
		۰/۲۹۸	۰/۸۲/۶۸۷	۳۷۲	درون گروهی	
۰/۰۰۱	۵/۶۹۲	۱/۵۹۲	۴/۶۸۵	۳	بین گروهی	وضعیت اقتصادی
		۰/۲۹۱	۷۷/۴۲۵	۳۷۳	درون گروهی	
۰/۳۸۶	۰/۸۶۹	۰/۲۷۶	۰/۵۴۲	۲	بین گروهی	نظر نسبت به حقوق
		۰/۲۶۹	۷۸/۸۲۱	۳۷۲	درون گروهی	

ارقام جدول ۴ نشان می‌دهند که تنها رابطه میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی با نشاط اجتماعی معلم‌ها معنادار است و دیدگاه معلم‌ها نسبت به کافی بودن حقوقشان و مقطع تدریس آنها تأثیری بر میزان شادی آنها ندارد. برای سنجش تأثیر همزمان متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد که ارقام مربوطه در جدول ۵ آورده شده‌اند.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرها

R ²	خطای استاندارد برآورده شده	ضریب بتا	ضریب تعیین	متغیر پیش‌بینی‌کننده
۰/۳۸۴	۰/۴۲۱۱۳	۰/۱۹۶	۰/۲۱۶	دینداری
	۰/۵۰۷۷۴	۰/۳۴۸	۰/۳۰۸	نگرش نسبت به شغل
	۰/۴۹۳۴۶	۰/۳۵۹	۰/۳۴۷	مشارکت اجتماعی
	۰/۴۸۱۷۰	۰/۴۰۴	۰/۴۱۷	روابط با همکاران
	۰/۴۹۴۶۱	۰/۴۱۰	۰/۴۴۱	اوقات فراغت
	۰/۴۹۶۷۱	۰/۴۱۸	۰/۴۸۶	وضعیت اقتصادی
	۰/۴۹۸۲۴	۰/۴۲۴	۰/۵۰۲	تحصیلات

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای مقطع تحصیلی و نظر نسبت به حقوق وارد معادله رگرسیون نشدند، اما بقیه متغیرها تأثیر معنادار داشته‌اند و در مجموع توانسته‌اند نزدیک به ۳۸ درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی نشاط اجتماعی معلمان را تبیین کنند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که میزان نشاط اجتماعی معلمان شهر اصفهان در حد متوسط (۳/۳) در برابر میانگین نظری (۳) است. این مسئله با نتایج تحقیق زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱)؛ جهانشانی (۱۳۹۲) و همچنین با نتایج تحقیق هزارجریبی و آستین‌افشان (۱۳۸۸) همخوانی داشت. به عبارت دیگر، برخلاف دیدگاه آنهایی که فکر می‌کنند معلم‌ها به خاطر درآمد نسبتاً پایین خود (در مقایسه با برخی مشاغل دیگر) و یا به این دلیل که امکان رشد و توسعه شغلی اندکی برای آنها وجود دارد، ناراضی و ناخشنود هستند، نتایج این تحقیق مانند نتایج تحقیق زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) حاکی از میزان خوب شادمانی اجتماعی معلمان است. با توجه به نظریه برابری از آدامز، می‌توان گفت که احتمالاً بسیاری از معلمان مطالعه شده در این تحقیق احساس می‌کنند که با توجه به شرایط شغلی خود (تعداد روزها و ساعات کاری، میزان تعطیلات و...)، میان داده‌های خود به سیستم و ستانده خود از آن، نوعی برابری وجود دارد و اگرچه در مقایسه با برخی مشاغل دیگر، حقوق و مزایای دریافتی آنها ممکن است کمتر باشد، ولی از نظر اینکه بهتر می‌توانند به زندگی خود برسند و از نوسانات بازار کسب‌وکار مصونیت نسبی دارند، احساس رضایت دارند. پیشنهاد می‌شود دولت نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی معلمان تلاش بیشتری کند تا میزان شادمانی آنها نیز بهتر از وضعیت کنونی که در حد متوسط است، شود، چراکه وضعیت اقتصادی حدود ۱۲ درصد آنها پایین است و نزدیک به ۳۰ درصد حقوق خود را کم ارزیابی کرده‌اند. در صحبت‌های شخصی، بسیاری از معلم‌ها اظهار می‌کردند افراد هم‌تراز آنها در دانشگاه‌ها و اداره‌های دیگر حقوق بیشتری دریافت می‌کنند.

هرچند راه‌اندازی دانشگاه فرهنگیان اقدام بسیار مناسبی در فراهم کردن امکان پیشرفت معلمان است، با توجه به اینکه حدود ۲۳/۵ درصد پاسخگویان دارای مدرک زیر کارشناسی هستند، جا دارد با دادن وام‌های آسان‌تر و مرخصی‌های بیشتر، امکان ارتقای سطح تحصیلات آنها بیشتر فراهم شود. نتایج تحقیق حاضر همچنین نشان داد: نگرش معلمان نسبت به شغل خود، کمی بالاتر از متوسط نظری (۳/۴) در برابر میانگین نظری (۳) بود. همچنین میانگین روابط با همکاران بالاتر از میانگین نظری بود. با توجه به اینکه این دو متغیر معمولاً از مؤلفه‌های رضایت شغلی نیز هستند، می‌توان گفت: رضایت شغلی معلمان اصفهانی در حد متوسط است و این مسئله نیز با یافته‌های زارع شاه‌آبادی و

همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. آنها دریافتند که داشتن روابط خوب، صمیمی و همدلانه با همکاران بر میزان نشاط اجتماعی دبیران تأثیر مثبت و معنادار داشت. اگر فرسودگی شغلی نقطه مقابل رضایت شغلی فرض شود، یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیق جهانشاهی (۱۳۹۲) نیز همخوانی دارند. از بین متغیرهای تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی، دینداری (۴/۳) و روابط با همکاران (۳/۷) بیشترین تأثیر را داشتند. این مسئله با ادعا و استدلال مدل تأثیر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه گیر همخوانی دارد. به سخن دیگر، مذهب (از طریق درگیر کردن افراد در تعاملات اجتماعی) و روابط با همکاران تأثیرات منفی فشارهای زندگی بر افراد را کاهش می‌دهند و بنابراین باعث کاهش عاطفه یا تجربه‌های منفی و ضد نشاط می‌شوند.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آرگایل، مایکل (۱۳۸۲). روان‌شناسی شادی، ترجمه فاطمه بهرامی و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۲. آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۲). شهرداری اصفهان: معاونت برنامه ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات، اداره آمار و تحلیل اطلاعات.
۳. بهنام، جمشید (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. تذهیبی، مهدی و شیرین زردرویی گلنباری (۱۳۸۹). «مطالعه رضایت شغلی کارکنان مرکز آموزش پزشکی کرمانشاه»، ویژه نامه.
۵. جهانشاهی، روانبخش (۱۳۹۲). بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی شهر یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان.
۶. جهرمی، شایان و شاپور امین (۱۳۸۸). «رابطه بین عدالت سازمانی و تعهد سازمانی با رضایت شغلی علمان مدارس استثنایی در شهرستان بندرعباس»، تعلیمات اجتماعی، سال ۲، آموزش پزشکی کرمانشاه، ویژه نامه.
۷. چلبی، مسعود و محمد موسوی (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۰۱.
۸. حقیقتیان، منصور، رسول ربانی و سهیلا کاظمی (۱۳۸۷). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر فعالیت شغلی دبیران مقطع متوسطه شهرستان اصفهان»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان.
۹. ربانی رسول و همکاران (۱۳۸۷). «فرهنگ و شادی با رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.
۱۰. رستمی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۷). «بررسی رابطه فرسودگی شغلی و سلامت روان با نقش کنترل‌کنندگی جنسیت و تاب‌آوری در میان معلمان دوره ابتدایی»، فصلنامه سلامت کار ایران، دوره ۵، شماره ۳ و ۴.
۱۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: انتشارات قدس.
۱۲. روزنامه آرمان امروز (۱۳۹۲). «رتبه ایران از نظر شادی: ۱۰۱ از ۱۴۲»، بنفشه رنجی، شماره ۲۳۷۹، شنبه ۲۱ دی.
۱۳. روزنامه آرمان امروز (۱۳۹۲). «شادی مسری است»، آناهیتا خدابخش کولایی، شماره ۲۳۷۹، شنبه ۲۱ دی.
۱۴. زارع شاه‌آبادی، اکبر، رحمت‌الله توکان و محمود حیدری (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین رضایت شغلی و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره پیاپی (۴۸)، شماره ۴، زمستان.

۱۵. سراج‌زاده، سیدحسین، فاطمه جوهری و سیمه ولایتی خواجه (۱۳۹۲). «دین و سلامت؛ آزمون اثر دینداری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره پیاپی (۴۹)، شماره اول، بهار.
۱۶. سلیمانی، محمدرضا و علی شکویی (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر بر تولیدات علمی اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی (منطقه ۸)»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، سال ۵، بهار و تابستان.
۱۷. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۶۶-۳۴.
۱۸. صادقی، محمدرضا، سوزان کاست‌نگه و مریم رجوعی (۱۳۷۸). «تأثیر فشارهای روانی و حمایت اجتماعی در افسردگی سالمندان»، فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۵، شماره ۳ و ۴.
۱۹. عزیززاده اقدم، محمد باقر، محمود علی و عبدالحسین ملکوتی دیزج یکان (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتماد اجتماعی دبیران مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهرستان مرند»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم، پائیز.
۲۰. قاسمی، افشان، احمد عابدی و ایران باغبان (۱۳۸۸). «اثر بخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه امید اسنایدر بر میزان شادکامی سالمندان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۴۱، پائیز.
۲۱. قدسی، علی‌محمد و همکاران (۱۳۹۰). «مطالعه رابطه بین عوامل اجتماعی و فرسودگی شغلی معلمان شهرستان قروه»، مجله سیاسی اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲.
۲۲. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی».
۲۳. معیدفر، سعید و قربانعلی ذهانی (۱۳۸۴). «بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: معلمان شهر نیشابور)». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
۲۴. منتظری، علی و همکاران (۱۳۹۱). «عنوان میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مردم ایران»، فصلنامه پایش، سال یازدهم شماره چهارم، مرداد - شهریور.
۲۵. نشاط‌دوست، حمید طاهر و همکاران (۱۳۸۸). «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱، بهار.
۲۶. هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین افشان (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱، بهار.

ب) منابع لاتین

1. Lim, C., and R. D. Putnam. (2010). "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction," American Sociological Review, vol. 75, n. 6.
2. Ritzer, G. (2011). Sociological Theory, Eighth edition, New York: MacGraw hill companies.

3. Robbins, S. (1999). *Organizational Behavior: Concepts, Controversies, and Applications*, Sixth edition, Englewood cliffs .
4. Sabatini, F. (2005). "Does Social Capital Improve Labor Productivity in Small and Medium Enterprises?" :[www. socialcapitalgetawat. org](http://www.socialcapitalgetawat.org) (sabatin: 2005a).
5. Seligman, E, and Danner, M. (2002). "Very Happy People", *Psychological Science*, n. 13.
6. Veenhoven, R. (2006). "How Do We Assess How Happy We Are: Tenets, Implications, and Tenability of three theories :[www. veenhoven. fsw. eur. nl](http://www.veenhoven.fsw.eur.nl).
7. Weaver, R. G. and Agle, R. B. (2002). "Religiosity and Ethical Behavior in Organizationist Perspective", *Academy of Management Review*, vol. 1: 77-97.

